

طبقه‌بندی تاریخی و موضوعی جراید فارسی

میزگرد اول با حضور:

ماشاءالله شمس الواعظین، علی حکمت،
بهروز گرانپایه، مسعود کوهستانی نژاد،
هادی خانیکی، عبدالمجید معادیخواه،
ابوالفضل شکوری



پیش در آمد

جهت شناخت دقیق و علمی روزنامه‌ها و جراید فارسی منتشر شده در داخل و خارج ایران در دوره‌های مختلف و دسته‌بندی و آماده‌سازی آن‌ها برای انجام کار پژوهش تاریخی، علمی، یادآوران بر آن شدند که میزگردهای چندی با شرکت صاحب نظران تاریخ جراید و مطبوعات و تخبگان روزنامه‌نگاری تشکیل و از طریق گفت‌وگو و مباحثات علمی و ناقدانه به تهذیب و تنقیح این موضوع پردازند. چندین جلسه با این انگیزه در بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی تشکیل گردید که در این جا خلاصه گفت‌وگوهای دو جلسه از آن میزگردها را به محضر خوانندگان محترم ارائه می‌دهیم.

این جلسات علمی با حضور صاحب نظران ذیل تشکیل شده که همه آنان به نحوی بخشی از عمر خود را در ارتباط با مطبوعات ادواری و روزنامه نگاری گذرانده‌اند: محمود(ماشاءالله) شمس الواعظین (سردبیر روزنامه‌های جامعه، توس، عصر آزادگان و نشاط)، علی حکمت (سردبیر روزنامه خرداد)، بهروز گرانپایه (پژوهشگر مطبوعاتی)، مسعود کوهستانی نژاد (پژوهشگر تاریخ مطبوعات فارسی)، دکتر هادی خانیکی (استاد دانشگاه و صاحب نظر در علوم ارتباطات)، عبدالمجید معادیخواه



(دبیر کل بنیاد تاریخ و مدیر مسئول یاد) و دکتر ابوالفضل شکوری (سردبیر یاد و روزنامه اعتماد ملی)

جلسه نخست میزگرد که در این جا چاپ می‌شود به بررسی انواع مطبوعات فارسی، طبقه بندی آن‌ها و انتخاب یک روش مناسب جهت بررسی و معرفی متناوب آن‌ها در فصلنامه یاد، اختصاص داشت که طبق نتیجه بر آمده از آن قرار شد شیوه ترتیب و توالی تاریخی تولد روزنامه‌ها و جراید با لحاظ موضوعات عمده مانند جراید فارسی زبان منتشر شده در عثمانی، مصر، هند، پیشا مشروطه، پسا مشروطه و... اتخاذ شود.

با در پیش گرفتن این شیوه بود که قرار شد روزنامه‌ها و جراید پشا مشروطه در دو فاز جداگانه‌ی جراید پیشا مشروطه فارسی برون مرزی و جراید پیشا مشروطه فارسی داخلی مورد پژوهش ما قرار گرفته و به تدریج در شماره‌های مختلف «یاد» منتشر شود. با این مبنا بود که بعد از اختصاص دادن یک شماره یاد به معرفی «روزنامه قانون»، بررسی جراید و روزنامه‌های فارسی منتشر شده در مصر نیز موضوع شماره حاضر «یاد» قرار گرفت.

جلسه دوم میزگرد نیز که در ادامه چاپ می‌شود به بررسی کلیاتی از مباحث مربوط به جراید فارسی برون مرزی با محوریت و تمرکز بخشیدن به جراید فارسی مصر اختصاص یافته است که خوانندگان محترم یاد را به مطالعه مطالب این دو میزگرد دعوت می‌کنیم.

یاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





• روزنامه جوانی اعتمادالسلطنه برای ناصرالدین شاه



شمس الواعظین:
 باید سعی کنیم
 که فعالیت ما شکل
 ایدئولوژیک به خود
 نگیرد و سیاسی هم
 نشود



خانیکی: به جای
 بررسی یک نشریه یا
 فرد خاص بر اساس
 حوزه های جغرافیایی
 عمل کنیم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تال جامع علوم انسانی
 شکوری: به طور

کلی بر اساس روش
 موضوعی، هفده
 نوع نشریه در
 تاریخ معاصر ایران
 چاپ شده است



• تصویری از دستگاه تایپ قدیمی در مصر
 که به آن چرخ خود نویس می گفتند و مطالب
 روزنامه های فارس زبان را با آن می نوشتند.



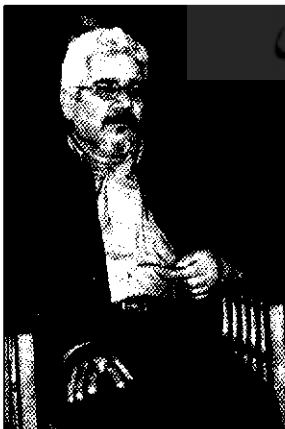
معادیخواه: داستان تاریخ
مطبوعات و تاریخ آموزش و
پرورش ما ارتباط ظریفی با هم
دارند



کوهستانی نژاد: من اعتقاد دارم
در مجله یاد باید جریان شناسی
و محتوا شناسی نشریات مطرح
شود و نه اندیشه شناسی



گرانپایه: هنر
بزرگ انگلیسی ها
دریا نوردی بود و
هر جا که ناوگان
انگلیسی می رفته
نشریات در آن جا
توزیع شده اند



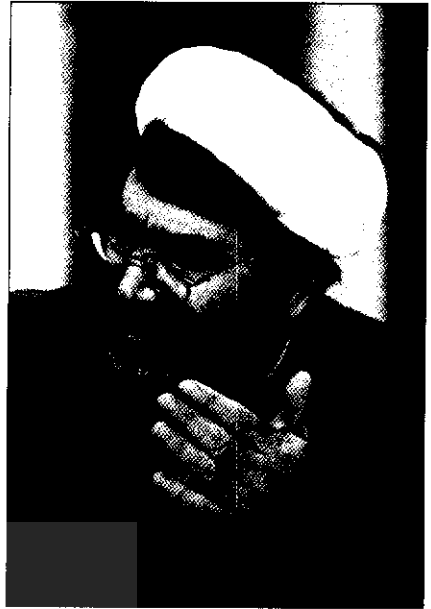
حکمت: باید ببینیم در
نشریات چهارگانه موجود
تا چه حد اندیشه اتحاد
اسلام مطرح شده است



شكوری: به طور كلي براساس روش موضوعی، هفده نوع نشریه در تاريخ معاصر ايران چاپ شده است كه عبارتند از: فارسی نویسان خارج از كشور، اسلامی نویسها، فرهنگي نویسها، ادبی نویسها، تاريخي نویسها، جرايد زرد، حقوقی نویسها، علمی نویسها، گاهنامهها و فصلنامهها، جريان چپ ماركسيستی، جرايد صنفی، اقتصادی نویسها، نشریات علمی - پژوهی دانشگاهی، جرايد خبری، جرايد فکاهی و نشریات ورزشی.

در جلسه قبل آقای دكتر خانیکي و آقای گرانپایه حضور نداشتند ولی در آن جلسه دوستان گفتند كه این نوع تقسیم بندی، مفید است ولی به كارگیری آن در مجله یاد خیلی مناسب نیست و بهتر است اول توالی زمانی را دنبال كنیم. در جلسه قبل، ما به این جمع بندی رسیدیم كه به صورت دوره ای عمل كنیم. بر این اساس در چند سال آینده كه می خواهیم جرايد و مطبوعات ايران را از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی، جريان شناسی و یا محتوا شناسی كنیم و در واقع يك نوع تاريخ نویسی را به صورت الگو در مجله یاد مطرح كنیم، يك برنامه زمانی لازم است و بر همین مبنا دسته بندی یا فاز بندی را پیشنهاد می دهیم. البته دوستان كه جدیدتر تشریف آوردند هم می توانند در این زمینه اظهار نظر كنند و در صورت نیاز جرح و تعدیل لازم را به عمل می آوریم. بنابراین در این جلسه می خواهیم تصمیم گیری نهایی را داشته باشیم و اتخاذ چنین تصمیمی در واقع دستورالعملی می شود برای ما كه در شماره های آینده فصلنامه یاد بر همین مبنا عمل كنیم.

ما، در چند فاز این تقسیم بندی را در مورد مطبوعات ايران اعمال كردیم: فاز اول، جرايد فارسی زبان خارج از كشور در عصر پيشا مشروطه را در برمی گیرد. چون ما به این نتیجه رسیدیم كه این گروه از مطبوعات فارسی زبان كه در خارج از كشور چاپ شده اند از يك سنخ هستند و به نوعی تمهید كننده بوده و زمینه را برای وقوع انقلاب مشروطه و یا تقویت آن فراهم كردند. بنا به دلایلی ابتدا از روزنامه قانون میرزا ملكم خان شروع كردیم و شماره ۸۲ مجله یاد به این موضوع اختصاص یافت. این شماره را به بررسی و جريان شناسی و محتوا شناسی و تاثیر گذاری روزنامه قانون در تاريخ معاصر ايران اختصاص دادیم و مدیر مسؤول روزنامه قانون هم میرزا ملكم خان بوده و آن را در لندن



چاپ کرده است و در آن دوره هیچ نشریه‌ای که به فارسی در لندن چاپ شود به غیر از قانون پیدا نکردیم. البته مجله‌ای به عربی بوده که سید جمال الدین اسدآبادی آن را در اروپا چاپ کرده که در مورد مسایل ایران بوده است ولی به هر حال به زبان عربی چاپ می‌شد. ما آن را در نظر نگرفتیم و تاکید ما بر نشریات فارسی زبان خارج از کشور است. هم‌چنین سید جمال یک روزنامه عروة‌الوثقی چاپ می‌کرد که راجع به مسایل ایران بوده است و در خارج چاپ می‌شد. آن را هم جزو این دسته بندی لحاظ نکردیم. اگر نظر دوستان این

باشد که این دو نشریه مخصوصاً عروة‌الوثقی تاثیرگذاری فوق‌العاده‌ای در مسایل ایران داشتند می‌توانیم در مورد آن‌ها هم بررسی و تحقیق کنیم و آن‌ها را هم به این حوزه کاری اضافه کنیم.

شماره ۸۳ که در بهار ۱۳۸۶ چاپ می‌شود راجع به نشریات و جراید منتشره در مصر است. به طور کلی جراید منتشره در قلمرو عثمانی به سه قسمت تقسیم‌بندی می‌شوند: یک گروه از آن‌ها در استانبول چاپ می‌شدند، مثل روزنامه اختر. گروه دوم در قاهره و اسکندریه مصر منتشر می‌شدند که جزو قلمرو عثمانی بود. نشریات گروه دوم بیشتر از نشریات دیگر تاثیرگذار بودند. گروه سوم هم نشریاتی بودند که در نجف و کربلا منتشر می‌شدند و متأسفانه ما، در بنیاد تاریخ نمونه‌های روزنامه گروه سوم را نداریم.

از مصر شروع می‌کنیم. به دلیل این که نشریات مصر، هم بر نجف و کربلا و هم بر داخل ایران تاثیر می‌گذاشتند و شاید تاثیرگذاری آن‌ها بیش از تاثیر روزنامه‌های چاپ استانبول بود. حتی نشریات مصر، تاثیر زیادی بر حوزه نجف و کربلا داشت و نجف و کربلا هم بر ایران و خصوصاً تهران تاثیر می‌گذاشتند. یعنی نمی‌توان گفت که علمایی هم‌چون آخوند خراسانی و برخی دیگر از شاگردان میرزای شیرازی از جراید منتشره



در مصر تأثیر نمی پذیرفتند. تا حالا ما چند تا نشریه چاپ شده به زبان فارسی در مصر شناسایی کردیم که روزنامه ثریا و روزنامه چهره‌نما هستند و دوره کامل این روزنامه‌ها را تهیه کردیم و در اختیار داریم. بخشی از روزنامه حکمت را هم فراهم کردیم ولی متأسفانه دوره اول انتشار آن نایاب است و تاکنون کسی نتوانسته دوره اول آن را پیدا کند. نشریه پرورش هم در مصر منتشر شده است که بخش عمده‌ای از شماره‌های آن را در اختیار داریم. البته مجله‌ای هم به اسم رستاخیز در مصر چاپ می‌شده. من این موضوع را از طریق پسر مرحوم میرزا ابوعبدالله زنجانی فهمیدم. هر چند که تا حالا دسترسی به شماره‌های آن پیدا نکردیم. ظاهراً محتوای این مجله نسبت به برخی مفاهیم اسلامی انتقادی بوده و به همین دلیل دفتر مورد هجوم برخی افراد واقع می‌شود. یک نامه در دست است که به موضوع اسلام ستیز بودن مجله رستاخیز اشاره داشته‌اند و این نامه به عنوان سند چاپ می‌شود. البته رویت مطالب مجله نشان می‌دهد به آن معنی اسلام ستیز نیست، انتقادی و به معارف ایران و زرتشتی هم گرایش تند دارد. این مجله پس از مدتی تعطیل و به جایش مجله‌ی سودمند در همان مصر و سپس تهران منتشر شده و طرفدار سلطنت رضاخان پهلوی بود.

شاید بررسی چهار نشریه اول اهمیت بیشتری داشته باشد و ما بسته به تعداد مقالات و حجم آن‌ها یک شماره و یا دو شماره مجله را به بررسی روزنامه‌های فارسی زبان چاپ مصر اختصاص می‌دهیم.

بعد از این بررسی جراید منتشره در استانبول است که در این میان روزنامه اختر از اهمیت خاصی برخوردار است. ما نشریات چاپ استانبول را بعد از جراید چاپ مصر، بررسی خواهیم کرد و بعد هم جراید منتشره در عراق است که به زبان فارسی چاپ شده‌اند. من خودم برخی جراید چاپ نجف را دیده‌ام ولی نمونه‌های آن را در آرشیو بنیاد تاریخ نداریم، باید آن‌ها را فراهم کنیم و به هر حال باید نمونه‌هایی از آن را داشته باشیم. بعد هم روزنامه‌های فارسی زبان منتشر شده در هند تحت سلطه بریتانیا را بررسی می‌کنیم. مخصوصاً روزنامه‌هایی که در بمبئی و کلکته چاپ می‌شده‌اند و در این شهرها مرکزی داشته‌اند. پرمترترین نشریه قبل از مشروطه حبل‌المتین است که به مدت ۳۷ سال انتشار آن ادامه پیدا کرده است و بعد از انقلاب مشروطیت به ایران منتقل شده و



شماره‌های چاپ شده آن در ایران بسیار تاثیر گذار بوده است و شاید نیاز باشد که بیش از یک شماره مجله را به بررسی آن اختصاص دهیم. بررسی حبل‌المتین هم یک فاز است. البته در این فاز می‌شود جراید منتشره در قفقاز هم بررسی شوند که اکثراً به زبان ترکی بودند ولی روزنامه و نشریه‌هایی به زبان فارسی هم هست و مهم‌ترین جراید آن منطقه، مجله ملا نصرالدین است که هنوز ضرب‌المثل‌هایش در زبان و فرهنگ مردم، رایج است و این حکایت از تاثیرگذاری آن مجله است. روزنامه ملانصرالدین، طنز بود به زبان ترکی چاپ می‌شد.

من پیشنهادم این است که با توجه به تاثیرگذاری فوق‌العاده نشریه ملانصرالدین و سایر نشریات قفقاز در انقلاب مشروطه و تاریخ معاصر ما، یک شماره از مجله یاد را برای این مقوله در نظر بگیریم. هر چند که این نشریات به زبان فارسی منتشر نمی‌شدند. در این زمینه اگر دوستان نظری داشته باشند می‌توانند بیان کنند.

ولی فاز دوم کار ما جراید پیش از مشروطه داخل ایران است. برای مثال مجله یادگار، روزنامه کاغذ اخبار و یا وقایع اتفاقیه و هم‌چنین اطلاع در دوره قبل از مشروطه در داخل ایران چاپ شدند.

روزنامه برجسته این دوره همان روزنامه وقایع اتفاقیه است که امیرکبیر، پایه گذار آن بوده است.

فاز سوم بعدی کار ما مربوط به جراید مشروطه و عصر مشروطه است که در واقع مشروطه ساز هستند و در این فاز کل روزنامه‌هایی را که تا سال ۱۳۰۴ یعنی تا زمان انتقال سلطنت از قاجاریه به پهلوی منتشر شده‌اند، بررسی خواهیم کرد.

نشریات دوره بعد از ۱۳۰۴ تا شهریور ۱۳۲۰ یعنی دوره رضا شاه را نیز در یک فاز بررسی می‌کنیم و از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲ را هم در یک فاز قرار دادیم. در این دوره تنوع مطبوعات به خاطر وجود آزادی مشاهده می‌شود و مارکسیست‌ها، مسلمانان، ملیون، روزنامه چاپ می‌کنند و نشریات محلی هم چاپ می‌شود. بنابراین نمی‌توان این دو دوره را با هم مقایسه کرد.

فاز بعدی در مورد مطبوعات بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است تا سال ۱۳۵۷. البته جراید سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ را نمی‌توان کاملاً با هم مقایسه کرد و در اواخر رژیم پهلوی



فضای باز سیاسی وجود داشت. در عین حال روزنامه‌های این دوره را به لحاظ شباهت محتوا در یک فاز بررسی می‌کنیم.

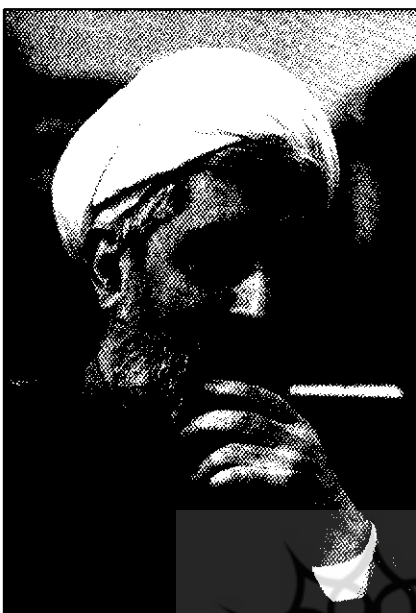
فعلا برنامه‌ای برای بررسی مطبوعات بعد از انقلاب نداریم. من حدس می‌زنم حدود ۱۰ سال فعالیت نشریه یاد به بررسی این روزنامه‌ها اختصاص پیدا کند و در واقع یک دایرةالمعارف جریان شناسی مطبوعات و محتوا شناسی مطبوعات ایران از آن درمی‌آید. اما من از دوستان می‌خواهیم که ما را راهنمایی کنند.

من علاقه‌مند هستم که دوستانی مثل آقای دکتر خانیکی و آقای گرانپایه در مورد تصمیمی که گرفته شده، اظهار نظر کنند که آیا نظر به درستی مطرح شده است یا نه؟ چون ما در بحث‌های جمعی به این نتیجه گیری رسیدیم که برش‌های تاریخی به دلیل هم‌زمانی‌اش با تحولات سیاسی و اجتماعی - چه پیشا مشروطه و چه پسا مشروطه - بهتر است تا این که موضوعی بررسی کنیم. البته ما حتی نیم جلسه‌ای در زمینه روش موضوعی بحث کردیم. منتهی محسنات و ویژگی‌های مثبت برش‌های تاریخی باعث شد که آن را تقریبا بر روش موضوعی ترجیح بدهیم. چون با گزینش موضوعی با مشکل جدی روبرو می‌شدیم. اگر ما موضوعی را انتخاب می‌کردیم در حوزه اندیشه ورزی و تولید اندیشه باید از عصر پسا مشروطه حتی به شهریور ۱۳۲۰ ناگهان پرش می‌کردیم و جراید و نشریات تاثیرگذار این دوره‌ها را با هم بررسی می‌کردیم و بعد دوباره به پیشا مشروطه برگشته و مدخل‌هایی را شناسایی می‌کردیم؛ بی آن که تاثیرپذیری حوزه‌های فکری و اندیشه‌ورزی را از تحولات بیرونی مشخص نماییم. به ویژه که این‌جا دعوی بین مدرنیته و سنت هم در ایران مطرح بوده است.

بالآخره ما نتیجه گرفتیم که اگر ما روش موضوعی را کنار بگذاریم و از برش‌های تاریخی برای بررسی مطبوعات استفاده کنیم نتایج خیلی مثبتی به دست می‌آوریم. از دوستان خواهش می‌کنم در این زمینه نظر بدهند تا با یک تصمیم جمعی‌تر و کامل‌تر تصمیم نهایی را اتخاذ کنیم و این تصمیم مبنای فعالیت‌های بعدی ما شود.

شمس الواعظین: من خودم بحث موضوعی را مطرح کردم. اما منظورم این نبوده است که شما می‌گویید. اصلا قرار بر این شد که این دو رویکرد را با هم جلو ببریم و قصد این را نداشتیم که یک روش را حذف کنیم.





شکوری: حذفی در کار نیست.

معادینخواه: با بحث‌هایی که دوستان داشته‌اند، کارها پیشرفت داشته است و با طرحی که آقای شکوری پیشنهاد کردند می‌توانیم تصمیم بگیریم که چه اقداماتی بهتر است و بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. در این راه ما می‌توانیم بفهمیم چه خलाهایی وجود دارد و چه ضعف‌هایی هست.

من فکر می‌کنم علی‌رغم فراز و فرودها در کارهای تاریخی محض، خلایبی نخواهیم داشت و از این نظر شاید این نوع تقسیم‌بندی مناسب‌تر باشد. و من با آن موافقت بیشتری

دارم تا این‌ها را در یک نگاه گفتمانی یا تحلیلی تاریخی بریزیم. من یکی دو تا مثال ذکر می‌کنم که قضیه روشن شود.

مثلا در همان عصر پیشا مشروطه که شما تقسیم‌بندی کردید، فرضا استانبول به تمام معنا منزلگاه تجدد نسبت به ایران است. یعنی اغلب، اندیشه‌های تجدد از طریق استانبول وارد ایران می‌شود و متجددان ما و روزنامه‌های فارسی زبان چاپ آن‌جا حامل اندیشه‌های نو هستند. در حالی که هند چنین ویژگی برای ما ندارد.

هر چند که چاپ روزنامه در هند زودتر شروع شده است و مطبوعات چاپ هند به دلیل وضعیت زبان فارسی و یا به دلایل دیگر نشریه واقعا نشریه است و خیلی حامل اندیشه‌های تجدد نیست. یا این که منشأ اندیشه‌های سوسیالیستی را عمدتا در قفقاز می‌بینیم. یعنی در آن‌جا فقط نشریه ملا نصرالدین چاپ نشده، بلکه آن‌جا خاستگاه روش اندیشه‌های اجتماعی، عامیون و نظایر این‌ها هم هست. به هر حال، من با اصل تقسیم‌بندی به صورت پیشا مشروطه و مراحل بعد از مشروطه موافقم و فکر می‌کنم تقسیم‌بندی خوبی است. منتهی در مورد هر کدام باید ملاحظات را در نظر گرفت. چون خلاهایی وجود دارد. مثلا یک شماره مجله به بررسی قانون اختصاص پیدا کرده است



ولی قانون اولین نشریه فارسی زبان خارج از کشور نیست. در واقع روزنامه قانون بعد از اختر و حبل‌المتین چاپ شده است و پیشگام روزنامه نگاری مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور نبوده است. بنابراین وقتی قبل از همه به قانون توجه شده معنی اش این است که بررسی ما نیز صرفاً تاریخی نخواهد بود و کار ما جنبه تحلیلی دارد که شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد. شاید کسی بحث تاریخی در مورد این که چه کسانی در روزنامه قانون کار می‌کردند نداشته باشد ولی با این کار داریم اندیشه میرزا ملکم



خان را مطرح می‌کنیم و این آیا بالاخره روشنفکران ایران یا تفکر در ایران با میرزا ملکم خان شروع شد و یا این در حاشیه اش چیزهای دیگری هست. آن خلا را ما باید خودبه‌خود پر کنیم.

خانیکی: در این جا من با این نظر موافقم که شماره بعدی عروۃ‌الوثقی باشد و به بررسی آن نشریه بپردازیم. بالاخره ما قصد داریم جریانات فکری متفاوت موثر بر این حوزه را مطرح کنیم. در این میان قبل از هر چیز، یکی اندیشه ملکم خانی است و دیگری اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی مهم هستند. بایستی بحث کنیم که اندیشه آن‌ها در کجا با هم همپوشانی دارند و در چه جایی فرق نمی‌کنند. این دو، در واقع دو خاستگاه متفاوت دارند ولی اگر خاستگاه دیگری دارند آن هم مطرح شود. با این کار به صورت جامع‌تر به مشروطه پرداخته می‌شود. چون در گذشته فقط یک اندیشه مشروطه و مشروعه مورد بحث بود. یعنی یا باید مشروطه خواهان را دنبال می‌کردیم و یا نظر مشروعه خواهان را پی می‌گرفتیم. متزلزل شدن چنین چیزی را من خیلی مثبت قلمداد می‌کنم. مطالب تقسیم‌بندی شما شاید در مورد نشریات پیشا مشروطه یک جلد یا دو جلد را اختصاص بدهیم و مهم نیست که حجم مطالب زیاد یا کم شود. اما به هر حال



ما با این کار خلاها را خیلی خوب پر می‌کنیم. ما اگر می‌خواستیم با دید تاریخی محض شروع کنیم باید اولین شماره را به بررسی روزنامه جبل‌المتین هند اختصاص می‌دادیم. اگر بررسی ما ابتدا در مورد نشریات هند شروع می‌شد در آن صورت فقط و فقط عنصر توالی تاریخی مد نظرمان بود ولی الان که اولین شماره در این حوزه درباره «قانون» چاپ می‌شود معلوم است که ما یک تقسیم‌بندی کلی قبل از مشروطه را داریم ولی در این میان می‌خواهیم جریان‌های موثر را پیش از سایرین بررسی کنیم. یکی از جریان‌های موثر هم قانون است و به نظر من بعد از آن باید عروۃ‌الوثقی را معرفی کنیم. به این دلیل می‌گویم نشریات فارسی زبان مصر جای عروۃ‌الوثقی را نمی‌گیرند، چون تاثیرگذاری این نشریات به اندازه تاثیرگذاری شخص سید جمال و تفکر او نیست. به هر حال مصر باید جایگاه جنبش احیایی باشد ولی همان طوری که شما گفتید نشریه دین ستیزی به اسم رستاخیز هم در مصر چاپ شده و احیایی هم نیست.

من هم فکر می‌کنم ترجیح ترتیب تاریخی بر موضوعی منطقی‌تر است. به دلیل این که این‌جا هم بنیاد تاریخ است و نگاه تاریخی به مسایل و موضوعات از جمله مطبوعات دارد. بنابراین تقدم مقطع و برش‌های تاریخی تناسب بیشتر و هماهنگی بیشتری مخصوصا با فلسفه وجودی بنیاد تاریخ دارد. منتهی فکر می‌کنم الزاما باید به جنبه موضوعی هم اهمیت بدهیم. چون هر چه جلوتر می‌آییم تعدد و تنوع نشریات وجود دارد و اگر این‌ها را به صورت موضوعی بررسی نکنیم مثل یک مجموعه و جُنگ بی نظم خواهد شد. به هر حال نیاز داریم که بفهمیم در هر دوره از نظر اندیشه‌ای چه مطبوعاتی بوده‌اند و تا چه حد سعی کرده‌اند ابعاد مختلف تحولات اجتماعی، فکری، سیاسی و اقتصادی را تحت پوشش قرار دهند. این کار می‌تواند به خواننده مطلب کمک کند تا به مقصود خود راحت‌تر برسد. اما در مورد مقطع تاریخی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، من معتقدم که شاید بهتر باشد فاصله ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲ را در نظر بگیریم. از این جهت که نشریات بعد از سال ۱۳۳۲ هم به نوعی ادامه نشریات قبل از آن هستند. درست است که بعد از کودتا، دوره خفقان و تمرکز قدرت و سانسور هست ولی از نظر فضای کلی نشریات و مطبوعات به نظر می‌آید که همان دوره قبلی تداوم دارد. اگر هم پانزده خرداد ۱۳۴۲ نقطه شروع بعدی باشد شاید هم برای بنیاد تاریخ ترجیح داشته باشد و بهتر است دوره ششم را به دوره ۱۵ خرداد به بعد اختصاص



دهیم و آن دوره ۱۰ ساله را به دوره قبل بدهیم.

معادینخواه: من چند نکته به نظرم می‌رسد. یکی این که در مورد روزنامه‌هایی که در داخل کشور چاپ شده‌اند یک گروه از روزنامه‌ها حکومتی هستند که با گرایش به اصلاحات چاپ شده‌اند. حالا چه از نوع امیرکبیری آن و یا از نوع ناصرالدین شاه‌ی. یعنی صرف نظر از این که مردم چه مطالبات، خواسته‌ها و گرایش‌هایی دارند، خود حکومت اراده کرده که روزنامه چاپ کند و حکومت بالأخره خواهان تغییراتی بود و می‌خواست که روزنامه‌ها جای جارچی‌ها را بگیرند و از نظر تاریخی هم حداقل از قانون زودتر چاپ شده‌اند. من فکر می‌کنم در تقسیم‌بندی ما جای این نوع نشریات را باید مشخص کنیم. اگر چه در این نوع نشریات بحث عدالتخواهی و مشروطه خواهی مطرح نشده است.

در دوره بعد از مشروطه هم روزنامه‌ای به نام «مجلس» داریم که این روزنامه هم بالأخره با روزنامه‌های تندرو تفاوت داشت. فکر می‌کنم تقسیم‌بندی‌های خاصی مثلاً از بعد مشروطه تا زمان قدرت گرفتن رضا شاه را داشته باشیم و از زمان تعطیلی مجلس دوم. برای مثال روزنامه‌های دوره استبداد صغیر فرق می‌کند با مطبوعات قبل از خودش. بنابراین در دوره بعد از مشروطه هم نیاز به تقسیم‌بندی درونی خودش هم هست. بعد از شهریور بیست هم می‌توان مطبوعات دوره نفت را جدا کرد. یعنی به هر حال در دوره دکتر مصدق، ما مطبوعاتی را داریم که به طور کلی طرفدار نهضت نفت می‌شوند. بنابراین یک تقسیم‌بندی می‌شود به این دوره اختصاص بدهیم و مطبوعات دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت را بررسی کنیم که بحث عمده شان ملی کردن نفت و حوادث مربوط به آن دوره است.

حتی من معتقدم که می‌شود بگوییم مطبوعات دوره ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ و بعد هم ۴۰ تا ۴۲ را در نظر بگیریم. چون مطبوعات در دوره نخست وزیری امینی راحت‌تر فعالیت می‌کنند و به اصطلاح فضا باز می‌شود. فرضاً مجله توفیق دوره امینی هم خنده‌دار است و هم مطلب زیادی برای مطرح کردن دارد. بعد هم می‌رسیم به وقایع ۱۵ خرداد. این کارها باعث می‌شود که مقاطع زمانی از همدیگر جدا شوند. در این دوره‌ها مطبوعات قفقاز با مطبوعات لندن از لحاظ تجدیدی که مطرح می‌کنند متفاوت هستند و هر کدام سمپاتی



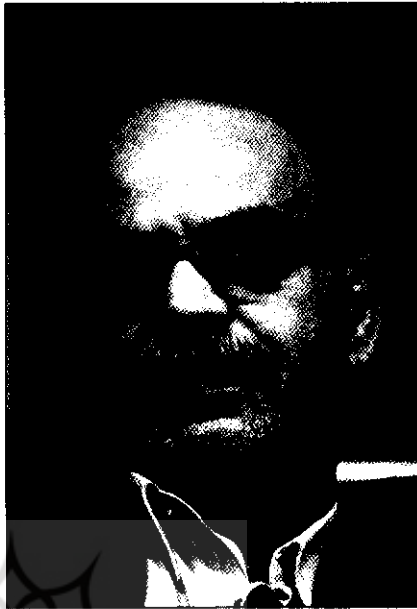
خاصی به یکی از دو قدرت دنیا دارند. برخی مطبوعات هم خواهان استقلال ایران هستند. در هر شماره مجله یاد ما نگاه توصیفی به چند روزنامه خواهیم داشت ولی ما طبقه‌بندی گفتمانی هم داریم و بالأخره ممکن است گفتمان‌ها عوض شوند و یا در یک دوره چند گفتمان در مطبوعات مشاهده شود.

تعدادی هم بایسته‌های پژوهشی داریم و ممکن است ما توانایی تحقیق در برخی زمینه‌ها را نداشته باشیم ولی می‌توانیم پیشنهاد کنیم که روی آن‌ها تحقیق انجام شود. برخی موضوعات را می‌توان به صورت ویژه نامه مورد بحث قرار دهیم. می‌شود طبقه‌بندی خاستگاهی هم داشته باشیم و مشخص کنیم که خاستگاه این مجله‌ها چه بوده است و چه گرایشی داشته‌اند. یکی دیگر هم طبقه‌بندی گفتمانی است. چون ممکن است در همان خاستگاه، گفتمان مختلف هم وجود داشته باشد. مثلاً شمس قنات آبادی روز اول آدم خوبی بوده ولی بعداً تغییر مسیر داده ست و بیشتر سو استفاده چی بوده. میرزا ملکم هم به نوعی سرگردنه بگیر بوده و از طریق روزنامه اش خواسته باج بگیرد و یا همین بحث را در مورد سید ضیا الدین طباطبایی می‌توانیم داشته باشیم. البته وارد بحث ارزشی نمی‌شویم.

شمس الواعظین: من بحث آقای معادیخواه را این جوری جمع‌بندی می‌کنم. در دوره قبل از مشروطه خاستگاه‌های روزنامه روشن است و عمدتاً مطبوعات ما دولتی هستند. بعد از مشروطه بخش خصوصی وارد عرصه می‌شود و جریان‌ات و نحله‌های متفاوتی پیدا می‌شوند. بنابراین گفتمان خاستگاهی متفاوت می‌شود.

در این‌جا این سؤال را می‌توان مطرح کرد که آیا مطبوعات حوزه قدرت به لحاظ خاستگاهی را باید از مطبوعات نحله‌ای و جریان ساز جدا کرد یا نه؟ آیا لزومی در مورد هویت‌شناسی و جریان‌شناسی این مطبوعات داریم؟ این کار در طبقه‌بندی گفتمانی مورد نظر آقای معادیخواه می‌گنجد. در این کار پژوهشی باید این‌ها را هویت‌شناسی کند. یعنی بینیم حبل‌المتین، قانون و مجله رستاخیز چه نحله فکری دارند و با چه رویکردی این روزنامه‌ها چاپ شده‌اند. شاید در عصر پیشا مشروطه این کار راحت باشد ولی وقتی به دوره ملی کردن صنعت نفت ایران و رویدادهای پس از شهریور ۲۰ می‌رسیم خیلی کار وسیع می‌شود و چنین ظرفیتی برای فصلنامه یاد وجود دارد که در جریان‌شناسی و





هویت شناسی مطبوعات تعریف شناسنامه‌ای ارائه دهد و بگوید این نحله به کدام حوزه قدرت وابسته است و مثلاً رستاخیز که دین ستیز بوده به کدام حوزه وابستگی دارد؟

سؤال من و آقای معادیخواه این است که آیا بقیه نشریات نیز باید مشمول چنین هویت شناسی‌هایی شوند یا نه؟ من معتقدم باید بشوند. اما انجام این کارها بسیار دشوار است.

معادیخواه: من این را به عنوان بایسته‌های پژوهشی نام بردم و بگوییم ما وارد این بحث نشدیم. اما اگر فرصت مناسبی پیدا می‌شد خوب است که سراغ آن کار هم برویم.

بالآخره گاهی اوقات در همان فضای بعد از شهریور ۲۰ دربار کسانی را وادار کرده است که فضای جامعه را آشفته کنند. اگر آدم دچار تئوری توطئه نشود می‌تواند چنین اسنادی را مطالعه کند و این وقایع را نشان دهد. انجام این کار از نظر تجربه تاریخی چیز مفیدی است. اما به شرط این که بحث ارزشی و ظنی وارد مسأله نشود.

گرانپایه: ما به دو شکل می‌توانیم مجله یاد را چاپ کنیم. یکی روش اسنادی است از جنس کارهایی که مرکز اسناد ملی و ریاست جمهوری می‌کنند و برای اولین بار سندهایی را در اختیار همگان می‌گذارند. و دیگری روش توصیفی است. اولی کاملاً خستی است و سند است، ولی یک نگاه این است که روی این اسناد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم داوری داشته باشیم. با این کار باعث می‌شویم در جاهایی که خلا باشد محققان یا تحلیل‌گران اجتماعی، فعالان سیاسی و دانشجویان به محتویات مجله یاد توجه کنند و تحقیقات بیشتری انجام دهند. مثلاً ویژه نامه وعظ و خطابه مجله یاد چاپ شد و در واقع یکی از رسانه‌هایی که کمتر مورد توجه بوده، مورد بررسی قرار گرفته است. این مطرح شده و دانشگاهی‌های ما به آن توجه کردند.

من فکر می‌کنم از منظر دوم با ملاحظات و وارد شویم بهتر است. به دلیل این که مجله



یاد دسترسی خیلی استثنایی به منابع تاریخی ندارد و مثل دانشگاه تهران یا کتابخانه ملی از آن منابع برخوردار نیست. اما ما با روش دوم می‌توانیم متون بهتری ارائه کنیم. این نوع تقسیم‌بندی که کدام‌یک در قدرت بودند یا نبودند و یا کدام نشریه سیاسی بود و کدام اندیشه‌ای، این نوع تقسیم‌بندی در گذشته مشهود نیست. مثلاً در مشروطه آدم‌هایی آمدند و به افرادی موثر تبدیل شدند ولی سید ضیا الدین طباطبایی که روزنامه نگار بود و در اعتصابات حضور داشت و بعداً رئیس دولت شد علی القاعده انتظار می‌رفت که بیش از بقیه از مطبوعات حمایت کند ولی قضیه برعکس می‌شود و بیش از سایرین در مقابل مطبوعات ایستادگی می‌کند. در حالی که آدم موثری بوده است و کسی نمی‌تواند این واقعیت را مورد تردید قرار دهد. یا مشخص بشود نیت خیلی از این مطبوعاتی‌ها خیر نبوده است ولی ناخواسته اثرگذار شده‌اند و به قول آقای کوهستانی نژاد کسی مثل ناصرالدین شاه حامل اندیشه‌های تجدد است.

کوهستانی‌نژاد: به نظر من اگر قرار است بحث، جدی جدید و نوآور باشد باید همه چیزش نوآور باشد ولی این تقسیم‌بندی، تقسیم‌بندی هفتاد ساله مطبوعات ما است. این تقسیم‌بندی الان جواب نمی‌دهد. چون بسیاری از تحولات در آن گم می‌شود. برای همین من یک پیشنهاد کلی دارم. مثلاً من در جلسه قبل گفتم که قانون اساسا روزنامه نیست. اما می‌توان روی محتویات آن تحقیق کرد. مثلاً می‌خواستم مطلبی بنویسم که قانون می‌تواند روزنامه باشد؟ وقتی که بررسی خودم را انجام دادم مقاله‌ای در حد ۶۵ صفحه شد.

من اعتقاد دارم در مجله یاد باید جریان شناسی و محتواشناسی نشریات مطرح شود و نه اندیشه شناسی. چون در مورد اندیشه شناسی میرزا ملکم خان، ده‌ها مقاله و کتاب چاپ شده است ولی در مورد «قانون» به مثابه مطبوعات چه کاری انجام شده است؟ ما می‌توانیم اندیشه شناسی با استفاده از ابزار مطبوعات داشته باشیم و جریان‌ات فکری مختلف از سید جمال یا سوسیال دموکرات‌های قفقاز را بررسی کنیم ولی قبل از هر چیز باید ساختاری داشته باشیم و بگوییم نگاه ما، در تقسیم بندی مطبوعات این است و این مباحث مورد نظر ما هست. یعنی یک شماره یاد به این موضوع اختصاص پیدا کند که تقسیم‌بندی محتوای نشریات چیست؟ من خودم در تقسیم‌بندی می‌گویم نباید سال ۱۳۳۲ را مبنا قرار بدهیم، بلکه باید از سال ۱۳۳۴ شروع کنیم. چون نشریات ما کار خود را بعد



از کودتا ادامه دادند. یعنی برای پیشبرد در این کار نیاز به تئوری داریم. این که بگوییم رجال مطبوعاتی تاثیرگذار هستند، این یک فرضیه است. بنابراین ما باید ساختار کلی را بچینیم. ما الان می‌گوییم پیشا مشروطه ولی نشریات پسا مشروطه هم داریم که رنگ و بوی عدالت‌خواهی و مشروطه‌خواهی دارند. در حالی که قبل از آن فقط تقلیدی از روزنامه‌های غربی هستند و این که ما هم بالأخره می‌خواهیم روزنامه داشته باشیم. بدون این که بدانیم روزنامه چه هست؟ فقط اراده همایونی به این تعلق گرفته بود که روزنامه داشته باشیم. در همان دوره قاجار، هم ناصرالدین شاه روزنامه می‌خواهد چاپ کند و هم امیرکبیر. اما دو جور نشریه در همان حوزه قدرت شکل می‌گیرد. اگر معمار امیرکبیر باشد، یک نوع روزنامه چاپ می‌کند و اگر ناصرالدین شاه باشد، جوری دیگر. چنین چیزی در تاریخ مطبوعات ما واقعیت دارد. هر چه رو به جلوتر می‌آییم مطبوعات ایرانی توسعه پیدا می‌کنند و بیشتر، مردمی می‌شوند و رنگ و بوی تحول‌خواهی در آن‌ها پیدا می‌شود و بعد از مشروطه و در دوران استبداد صغیر هم حال و هواهای متفاوتی در مطبوعات تجربه می‌کنیم. می‌شود با این کارها شروع کنیم و حین انجام کار، خودمان را نقد کنیم و تجدیدنظر لازم را در محتویات مجله یاد به وجود بیاوریم.

خانیکی: در این چارچوب می‌توانم بگویم که در نشریات قبل از انقلاب، حوزه و نشریات آسیای میانه را هم باید بگنجانیم. چون چند تا نشریه در آن‌جا چاپ شده است. دوم این که به جای بررسی یک نشریه خاص یا یک فرد خاص که لاجرم ما را به سمت مسایل غیر مطبوعاتی می‌کشاند براساس حوزه‌های جغرافیایی عمل کنیم. مثلا حوزه عثمانی را در نظر بگیریم و فرضا در سه بخش آن را بررسی کنیم. در مورد شبه قاره هند هم می‌توانیم این کار را کرد. من معتقدم که نسبت به مطبوعات شبه قاره بی‌توجهی داشته‌ایم. بالأخره در تاریخ اندیشه سیاسی ما اختر و حوزه آسیایی میانه و قفقاز تاثیر دارند ولی حبل‌المتین بعد از آن‌ها بیشترین تاثیر را داشته است.

بله اما باید حجم مجله یاد را هم در نظر بگیریم. مثلا تعداد مطبوعات در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بسیار زیاد است و گروه‌های مطبوعاتی و قوانین مطبوعاتی را هم داریم. اما یک جریانی هست که به آن‌ها خط می‌دهد. مثلا سازمان پرورش افکار جریانی را در مطبوعاتی ایران به راه انداخت که تا چند دهه بعد ادامه داشت.



معادپخواه: درست است مثلاً در یکی از شماره‌های یاد، سرمقاله‌های «مکتب اسلام» و «مکتب تشیع» را مقایسه کردیم. هر دو در پی ترویج اسلامند. اما یکی اسلامیات از نوع آقای ناصر مکارم است و دیگری از نگاه شهید باهنر... تفاوت‌ها را در سرمقاله‌های آن‌ها می‌توان تشخیص داد. یعنی حداقل ما می‌توانیم سرمقاله‌های روزنامه‌ها و نشریات تاثیرگذار را تحلیل و بررسی کنیم. با همان سرمقاله‌ها می‌توان کمک کرد به کسانی که آن مقطع تاریخی را با تحولاتش بشناسند.

خانیکي: اگر در هر شماره فصلنامه یاد فهرستی از کتاب‌ها و مقالات را بیاوریم که آن شماره مجله هم به همان موضوع اختصاص یافته باشد اقدام مفیدی خواهد بود. مثلاً کل مقالات و کتاب‌هایی که در مورد روزنامه اختر آمده را هم بیاوریم در شماره‌ای که در مجله یاد به بررسی «اختر» پرداخته است. در جای دیگری از مجله هم بگوییم که در چه زمینه‌هایی نتوانستیم کار کنیم ولی ما حداقل موضوع را مطرح کنیم.

شمس‌الواعظین: در جلسه قبل آقای خانیکي و آقای گرانبایه نبودند ولی ما این بحث را داشتیم که به صورت تاریخی عمل کنیم یا موضوعی. در حال حاضر نگاه تاریخی را انتخاب کردیم ولی تاریخ محض را هم انتخاب نکرده‌ایم. اما باید سعی کنیم که فعالیت ما شکل ایدئولوژیک به خود نگیرد و گرنه اعتبار فعالیت تحقیقی و علمی ما زیر سؤال می‌رود. و در ضمن سیاسی هم نشود. اما در مجموع سعی می‌کنیم دو تا روش تاریخی و موضوعی را جلو ببریم و برآیند این دو می‌تواند موثر و مفید باشد.

معادپخواه: ما سایت اینترنتی مجله یاد را هم آماده کرده‌ایم و هرکس می‌تواند عضو سایت شود و از خدمات سایت بهره‌مند شود. مثلاً ۲۴ دوره مذاکرات مجلس شورای ملی در سایت مجله نمایه سازی شده و مذاکرات سه دوره اول مجلس شورای اسلامی را هم آورده‌ایم. حدود ۴۰ عنوان از مطبوعات زمان شاه هست و حدود ۱۲۰۰ ساعت و در حد چهل هزار صفحه خاطرات اختصاصی اشخاص موثر که بنیاد تهیه کرده نمایه‌سازی شده و در بانک سایت مجله هست. ■





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

